

ضمیمه

نشریه

تدارک حزب انقلابی



ضمیمه شماره

اسفند ۱۳۹۶

<http://nashriye.com/>

نشانی سایت :

کانال در یوتیوب ۱

کانال در یوتیوب ۲

تماس با ما :

pishnahad1393@gmail.com



شماره	عنوان	صفحه
۱	«قدم اول» حرکت در سراب بی راهه ها!	۴
۲	بی شرط و شروطی گرایشی محفلی است	۷
۳	جواب نقد های رفقا ابراهیم و دیلم	۱۲

توضیحات لازم :

۱- برای اینکه مطالب نشریه شماره ۱۴ زیاد و همچنین مطالب فوق (نقد و بررسی) کامل نشده بودند به جای انتشار در شماره ۱۴ به ضمیمه شماره چهارده انتقال یافتند .
۲- مطلب رفیق دیلم در فرمت پی دی اف ارسال شده بود و از ایشان خواستیم که ورد آن را بفرستند که متأسفانه نفرستادند، و ما مجبور شدیم مطلب فوق را به شکل عکس تنظیم کنیم .
۳- همچنین رفیق یاور نیز اعلام کرده بودند قرار است مطلبی در این مورد بفرستند که هر چه منتظر ماندیم متأسفانه نفرستادند .

۴- در ادامه بحث های فوق تصمیم داریم جمع بندی از فعالیت جمع قدم اول را ارایه بدهیم اما چون برای این شماره (ضمیمه ۱۴) آماده نشده است در شماره ۱۵ منتشر خواهیم کرد .
۵- با توجه به بحث های طرح شده و وجود زمینه ها و بستر آماده طرح نقد و تبادل نظر، از همه رفقای فعال می خواهیم نظرات ، پیشنهادات و نقد های خود را در رابطه با فعالیت جمع قدم اول ، اهداف اعلام شده آن و موضوع بستر سازی و ضرورت حزب انقلابی طبقه کارگر و موارد لازم برای امکان ساخت آن با شرکت در بحث ها ارایه نمایند .

۶- فایل های خود را می توانید از طریق ایمیل pishnahand2014@gmail.com

ارسال کنید یا در جلسات ماهانه پالتالکی جمع قدم اول که آفیش آن هر ماه منتشر می شود شرکت نموده نظرات خود را بیان کنید و یا اگر آماده شرکت در مصاحبه ها هستید اعلام نمایید تا برای انجام مصاحبه ها برنامه ریزی کنیم و با شما هماهنگ نماییم. قابل توجه است جلسه شماره ۱۵ پالتالکی جمع قدم اول یعنی جلسه پیش رو روز یکشنبه ۲۰ مه ۲۰۱۸ ساعت ۲ بعد از ظهر بوقت امریکای شمالی و ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی و ساعت ده و نیم شب بوقت تهران با موضوع « ضرورت حزب انقلابی طبقه کارگر » طبق آدرس زیر برگزار خواهد شد. از همه رفقا دعوت می گردد در جلسه شرکت کرده و حضور فعال داشته باشند.

Room name ghadamaval

category Asia and pacific

subcategory Iran

با تشکر از توجه شما رفقا

جمع قدم اول

«قدم اول» حرکت در سراب بی راهه ها!

«قدم اول» حرکت در سراب بی راهه ها!

(تقدیم به شماره ۱۴ نشریه تدارک حزب انقلابی طبقه کارگر)

در کمتر از ۵ سال اخیر نوشته های اول ارزشمندی از رفیق شاهرخ زمانی جانباخته، دریافت شد که شوروشوق بی نظیری را درحزب رنجبران ایران (حرا) برای آموختن از نظرات کارگران کمونیست داخل ایران بوجود آورد. دراین ارتباط، درخارج از کشور تلاشی توسط رفیق کارگری که از داخل آمده و خود را مدافع نظرات شاهرخ معرفی می کرد، صورت گرفت و جمععی به نام «قدم اول» را بوجود آورد. برای شناخت بهتر این تجمع جدید از طرف حرا وظیفه ی تحقیق در مورد نظرات و عمل کرد این تجمع را یافته و در آن شرکت کردم.

با دیدن تشکلهای یا جمعهای تروتسکیستی و دموکراسی مشارکتی مخالف دیکتاتوری پرولتاریا، در این «قدم اول» ماهیت «تدارک حزب انقلابی کارگر» این تجمع «قدم اول» برایم زیرعلامت سؤال رفت. طبق پیشنهاد رفیق کارگرآمده از ایران قرار شد من نظر حرا را در مورد ایجاد حزب کمونیست ایران بیان کنم که می توانست درصورت توافق، تلاش برای گذاشتن گامی به پیش این تدارک فراهم شود. این پیشنهاد در دیدارهای بعدی صورت گرفت و طبق رهنمود لنین درمورد تشکیل حزب بلشویک روسیه، در ۱۰ نکته که در وبلاگ این رفیق آمده است، نظر حرا را ارائه دادم.

با مدافعان تروتسکی از ضرورت فراکسیون سازی در درون حزب و عدم پای بندی به اصل مرکزیت دموکراتیک درتصمیم گیریهای عملی حزبی، و نفی دیکتاتوری پرولتاریا از جانب مدافعان «دموکراسی مشارکتی»، به مبارزه ایدئولوژیک پرداختم. مدتی طولانی نگذشت که این دو تشکل بدون توضیح از «قدم اول» بیرون رفتند. اما رفیق کارگر از ایران آمده در برابرپیشنهاد ۱۰ نکته ای حرا آلترناتیو «بسترسازی» و شرکت بدون قید و شرط براساس حرکت از «اولین توافقات موجود و بحث درمورد حل اختلافات» را برای تشکیل حزب ارائه داد. بحث ایدئولوژیک طولانی من با این دیدگاه «قدم اولیها» ادامه یافت و علیرغم دعوت این رفیق و رفقای دیگری که آمده بودند، جوابی به من داده نشد که چرا ما نباید به حرکت پیروز طبقه کارگرروسیه تحت رهبری لنین که در بسیاری از کشورهای جهان در ایجاد حزب کمونیست بطور مثبتی پیش رفته است، توجه نکرد. من توضیح دادم که تنها راه حلی را ارائه می دهید هیچ پایه پراتیک موفق ایجاد حزب در جهان وجود نداشته و راه نا کجا آبادی که خلاف نظر شاهرخ زنده یاد است به سرانجام تشکیل حزب نمی رساند و وجود اختلافات نهایتا به منفجر شدن چنین جمعهای منجر می شود.

این ادعا ناشی از پراتیکی بود که حرا درهمکاری با تعداد زیادی از تشکلهای چپ به جایی نرسید و مورد تعمق در «قدم اول» قرارنگرفت که با نزدیک به ۳۰ سال همکاری عملی در خارج از کشور با دیگر نیروها نا توان باقی ماند. این بی توجهی در ادامه کار در «قدم اول» درموردی نظیر بحث من در مورد وجود سرسختانه فرقه گرائی ناشی ازنفوذ ایدئولوژی و سبک کاراقشار وسیع خرده بورژوازی به درون جنبش کارگری است که تا حد «استهزاء نظر ک.ابراهیم

همه اش در باره خرده بورژوازی است» باقی ماند و مورد پذیرش آنان قرار نگرفت. سپس در مورد ارزیابی از وضع جهان در مورد اینکه گرچه مناسبات سرمایه داری بر جهان کنونی غالب است (اقتصادی)، ولی در عرصه سیاسی نظام حاکم بر جهان امپریالیسم است. اما این رفقا روی نوشته موجود «قدم اول» بارها تاکید نمودند که «نظام حاکم بر جهان سرمایه داری است» و در این مورد نیز به وحدت نظری نرسیدیم. به علاوه در ابتدا توسط تشکیل دهنده و برخی دیگر «قدم اول» با بیان حرا در مورد ضرورت دفاع از تئوری کمونیسم علمی - به مقاومت پرداختند و بعد از این که دیدند که خود زنده یاد شاهرخ تا چه اندازه از اهمیت آن حرف زده، به بهانه ی این که ک. ابراهیم نظر خودش را بجای کمونیسم علمی مطرح می سازد به ضدیت با این نظریه پرداختند! من تاکید کردم دفاع از تئوری کمونیسم علمی مربوط به جهان بینی و پراتیک مبارزاتی طبقه کارگر و بررسی تاریخی ماتریالیستی تاریخ است که راهنمای کمونیستها به مثابه تئوری واحدی باید باشد و خصلت تکاملی در حرکت مبارزه طبقاتی در جهان و آزمونهای علمی دارد، مکاتب جداگانه نظیر مارکسیسم، لنینیسم، مائوئیسم و غیره فرمولبندیهای دقیقی نیستند. تکه تکه نمودن آن در مراحل مختلف مبارزات طبقه کارگر به علمی بودن و کیفیت دیالکتیکی آن صدمه می زند. در این مورد نیز به وحدت نرسیدیم. در آخرین اجلاس این رفقا پیشنهاد دادند «شما به صورت ۲۰۱ و ۲۰۳.. بگوئید کمونیسم علمی چیست؟ در حالی که ممکن است در مورد صدها نقطه نظر اصولی کمونیسم علمی انگشت گذاشت اما شما با در اختیار داشتن آثار کمونیستی به مطالعه بپردازید و من در رابطه با ایجاد حزب از نظر لنین در مورد چگونگی تشکیل حزب به شما از ابتدا در «قدم اول» تئوری کمونیسم علمی در مورد حزب سازی را بیان داشتم. اما واقعیت این است که وقتی راجع به نقش امپریالیسم نتوانستیم به وحدت برسیم، چگونه ممکن است بخش زیادی از اصول کمونیسم علمی را طرح کنم و بحث مکتب گونه ای طولانی در پذیرش این اصول بی نتیجه ادامه یابد و شما از آموختن مستقیم از آثار کمونیسم علمی اجتناب می ورزید! ولی نوشته های شاهرخ بارها روی کمونیسم و سوسیالیسم علمی تاکید گذاشت بدون اینکه با ۲۰۱ و ۲۰۳... کردن موضع خودش را روشن سازد. ولی رفقای «بستر ساز» «قدم اول» به راه خود ادامه می دهند. این امر نشان داد که دو دیدگاه متضاد در ایجاد حزب در «قدم اول» بین شرکت کنندگان حرا و بستر سازان وجود دارد و این بارکجی که شما انتخاب کرده اید در مسائل اصولی به سرمنزل مقصود نخواهد رسید.

در این میان در مورد نظراتی که به امضای «شاگردان شاهرخ» در شماره ۱۰ نشریه «قدم اول» در توضیح نظرات شاهرخ منتشر شد. من به نقد برخی از دیدگاه انحرافی هم به نعل وهم به میخ زن آنها که مغایر با نظرات شاهرخ بود در شماره ۱۱ همین نشریه پرداختم. این رفقا به جای نشان دادن اشتباهات نظراتم، اتهام زنی و لجن پراکنی به جای نقد رفیقانه و اصولی مستدل نه با ذکر اشتباهاتم بلکه خود ساخته سراسر ذهنی در شماره ۱۲ نشریه پرداختند. در برابر چنین موضع غیرپرولتاری و انتقام جویانه این «شاگردان» در شماره ۱۳ نشریه به نقد آنها جوابی نوشتم و امیدم این بود که وقتی نشان دادم این رفقا بدون دقت نقد علمی لنین را متهم کرده بودند به ارجح دانستن تئوری به پراتیک که ایده آلیستی هست که به من نسبت داده بودند بدون چنین آگاهی و غیره که در معرض دید رفقای کارگر کمونیست ایران قرار داده شده است. این رفقای نویسنده نقد در نشریه حداقل به انتقاد از خود در برخورد غیر کمونیستی نسبت به حرا پرداختند. حتا نه لااقل انتقاد از خود در مورد نوشته لنین نکرده، صداقت پرولتاری تصحیح اشتباهاتشان را انجام ندادند. ادامه همکاری من با این تجمع مغایر خدمت به وحدت مبرم کارگران کمونیست در ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران می باشد. لذا، حرا روی تلفیق تئوری کمونیسم علمی در رابطه با شرایط مشخص و مبارزه قاطع علیه نفوذ بزرگی از دیدگاه خرده بورژوائی - ضد انضباط پذیری، تزلزل در قاطعیت طبقاتی، ستایش فرقه گرائی و نخبه گرائی، انحلال طلبی و رفرمیسم و غیره - را که مانع از وحدت مطالباتی و وحدت سیاسی طبقه کارگر ایران می شود، پافشاری نموده و خواهد کوشید تا با کارگران کمونیست مبارزی که نظرات شاهرخ را محکم به دست گرفته اند، پیوند دیالکتیکی محکمی را متحقق سازد. فعالیت در «قدم اول» با حفظ مواضع اول این تجمع مغایر با تلاش برای دعوت کمونیستها و در درجه ی اول کارگران کمونیست ایران با شاهرخ زمانی، بر اساس مواضع در تهیه ی نکات اساسی برنامه و تاکتیک طبقه کارگر حول کمونیسم علمی که توسط مارکس و انگلس و لنین و مائو در اختیار همه قرار داشته، می باشد.

آموزش از آن شرط اول برای کسانی که آگاه نباشند در مطالعه این نظرات انقلابی کمونیسم علمی طبقه کارگر است . بدون حداقل این آگاهی ادعا کردن که در تدارک حزب انقلابی طبقه کارگر معادل تاحدی کورکورانه حرکت کردن می باشند و دچار ستایش عمل گرائی مکانیکی بوده و در بی راهه ها وقت تلف خواهند نمود. لذا تجربه ی بیش از ۳ سال همکاری، ادامه ی شرکت در این تجمع را وقت تلف کردن دانسته و ضروری نمی بینم.

درخامه با توجه به این که در کتاب «برگزیده آثار شاهرخ زمانی» به کرات نوشته ها در مورد تاکید در ایجاد حزب و نقش تئوری راهنما گفته اند و میرم بودن ایجاد حزب می باشند، دو نقل قول را می آورم که هیچ ربطی به مقوله های «بسترسازی» «بی شرط و شروط» و همکاری عملی ندارند: «نئین رهبر بزرگ کارگران درباره اهمیت حزب و سازمان نوشت: پرولتاریا در مبارزه برای رسیدن به حکومت سلاحی جز سازمان در دست ندارد، کارگران در اثر حکم فرمائی رقابت آنارشویستی در دنیای سرمایه داری دست خوش پراکندگی است. در زیر کار برده وار به سود سرمایه از پای در می آید و همواره در قعر گرداب فقر کامل، بی فرهنگی، انحطاط فرو می رود. تنها در اثر وحدت فکری اش از راه اصول مارکسیسم با وحدت مادی سازمانی که میلیونها زحمت کش را به صورت ارتش طبقه کارگر متحد می سازد، تقویت یابد می تواند به نیروی شکست ناپذیر تبدیل گردد و ناگزیر تبدیل خواهد شد. در برابر این ارتش، نه حاکمیت پوسیده استبداد سلطنتی روس بلکه حتا قدرت لرزان سرمایه جهانی تاب مقاومت ندارد.(پایان فصل اول - اسدالله عفارزاده - مهرماه ۱۳۹۳ - ص ۲۷) و : بدون از دست دادن فرصت به سمت ایجاد حزب سیاسی و اتحادیه کارگری دو جزء جدائی ناپذیر اشکال طبقاتی کارگران حرکت کنیم... چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.»(شاهرخ زمانی - زندان گوهر دشت ۱۳۹۱/۱۱/۷)

ک. ابراهیم - ۲۶ دیماه ۱۳۹۶ - ۱۶ ژانویه ۲۰۱۸

بی شرط و شروطی گرایشی محفلی است

اول - در جمع‌بندی از " جمع قدم اول در تدارک حزب انقلابی " باید در آغاز از خود پرسید هدف پیشنهاد دهندگان ایجاد چنین جمعی چه بوده است ؟ بنظر می رسد پاسخ واقعی به این پرسش نقش تعیین کننده ای در ارزیابی از کار جمع قدم اول و پراتیک چند ساله اش دارد . با توجه به اینکه من جزو آخرین ها هستم که به آن پیوستم طبعن ارزیابی من محدود به پراتیکی است که خود مستقیم تجربه کرده ام . در طول مدتی که در فعالیت های جمع قدم اول ، چه مشخص و چه عمومی شرکت داشته و وظائف محوله از طرف جمع را به انجام رسانده ام و با توجه به این واقعیت که در تمام تبادل نظر های درونی فعالانه پیشنهاد ها و نظرات خود را ارائه کرده و متقابلن تبادل و برخورد شده است . بدین جمع‌بندی رسیده ام که جمع قدم اول **یک محفل تبادل نظر وجدال ایدولوژیک است** تا هسته ای با کیفیت لازم در تدارک ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر ایران . چرا ؟ چون بر اساس تزیبی شرط و شروطی حرکت کرده و در عمل با تمام تلاشی که شد برای تغییر ، تا به امروز مصرانه دنبال شده است . در نتیجه جمع قدم اول جمعی است دارای نظرات مختلف در بسیاری از مسائل اساسی از جمله چگونگی تدارک ایجاد حزب . این شیوه کار و ادامه آن کاملن در تضاد با شیوه کار شاهرخ زمانی و نظرات ارائه شده ی او از درون زندان است . مطالعه آثار شاهرخ و کوشش همه جانبه او در قبل از زندان و در زندان تا آخرین لحظات زندگی اش حکایت از این دارد که او یک فعال کارگری آگاه کمونیستی است که بر اساس اصول و برنامه امر سازماندهی کمونیستی ، سازماندهی تشکیلات کارگری و امر ایجاد اتحاد بزرگ سراسری توده‌های وسیع مردم را با درایت و پشتکار به جلو برده است . خود کمونیست بودن و اعلام آشکار چنین موضعی خود اساسترین شرط و شروطی است که در جامعه طبقاتی کنونی هر انسانی را متمایز می سازد . جهانی بی یک کمونیست ، تئوری ، سبک کار و خط مشی او با یک غیر کونیست کاملن متفاوت است . بنظر م اساسی ترین نقطه نظر اشتباهی که چون بختگی آنارشیستی بر جلسات قدم اول حاکم بوده است همین تزیبی شرط و شروطی بودن آنست که در تضاد با پراتیک و اندیشه های شاهرخ در دوره ی تدارک ایجاد حزب انقلابی است .

در جهان طبقاتی که تضادهای آن تا سطح جنگ برای ادامه حیات طبقات مسلط کشیده شده است و پرولتاریا در صفوف میلیاردهای خود چون گورکنی فعال با تقریبین دو قرن مبارزه ی متشکل و آگاه در صحنه که بدون پرده پوشی و شجاعانه تا پای جان برای براندازی نظام سرمایه داری و امپریالیسم مبارزه کرده است و بارها در سرزمین هائی به پیروزی رسیده ، شکست خورده و بازهم برخاسته است .

در جهانی که جهانیستی و اصول کمونیستی بعنوان یک الترناتیو جدی در برابر جهانیستی کور و تئوری های متافیزیکی بورژوازی رقابت می کند ، در دورانی که میلیون ها کارگر آگاه در عمل و بنام کمونیسم برای پیروزی سوسیالیسم جان خود را در جدال های طبقاتی از دست داده اند

در کشوری چون ایران که کارگران آگاه آن همراه روشنفکرانی که به جنبش کارگری پیوستند صد سال پیش حزب کمونیستی با معیار های بلشویکی بنا گذارند و اولین جمهوری شوروی را خارج از روسیه تشکیل دادند - بنام " جمهوری شوروی ایران " در کشوری که صد سال است احزاب و سازمان های کمونیستی اش فعال بوده و بارها از درون و بیرون بر سر خط مشی ها و برنامه ها مناقشه ها ، توافقاتی تا سطح انشعابات و اتحاد ها صورت گرفته است ، در کشوری که احزاب و سازمان های کمونیستی اش در سطح جنبش بین المللی شناخته شده و در حال حاضر چندین حزب با سوابق بیش از نیم قرن فعالیت تشکیلاتی و حتی ادعای حزب انقلابی طبقه کارگر را دارند

چنین پیشنهادی که بدون شرط و شروطی گردهم آیند و از طریق مبارزه ی ایدولوژیکی به تدارک ایجاد حزب انقلابی بپردازند بدور از واقعیت است و راهی است بی نتیجه و کاریست حتی نازل تر از یک محفل . تجربه ی این چند سال به نادرستی این روش گواهی میدهد . چگونه می توان جمعی را با گرایشات شناخته شده ای که سال ها در دفاع از نظرات

خود عمل کرده اند ، بدون هیچگونه شرط وشروطی گرد هم آورد و مدعی شد این بهترین راه برای تدارک ایجاد حزب انقلابی است و مطابق با آموزش های شاهرخ است!

این تز " بدون شرط وشروط " ظاهرن چهره ی دمکراتیک از خود نشان می دهد اما در عمل خود تزی است کاملن در برابر نظری که معتقد است باید قدم اول را بر اساس اصول کمونیسم علمی و نظرات تلفیق داه شده شاهرخ زمانی با شرائط ایران که در برگزیده های شاهرخ تاکید شده است ، سازماندهی کرد. در طول این زمانه بار ها چنین پیشنهادی مطرح گردید . در آغاز چنین می اندیشیدم که با توجه به نظرات شاهرخ زمانی ، با سازماندهی یک دورهی مطالعاتی مشترک و جمعی که کمسیونی هم در این زمینه طرحی را مطرح کرد و مورد قبول کل رفقا قرار گرفت بر روی چند نکته اساسی که رفیق شاهرخ زمانی مطرح کرده است ، پس از تبادل نظر و احتمالن به روز کردن پاره ای از جوانب ، به صورت اصول و برنامه اولیه یکی می شویم و در پیوند با رفقای داخل طرفدار نظرات شاهرخ زمانی مشترکن در خدمت وظائف سه گانه ی مطرح شده توسط شاهرخ - حزب ، تشکلات کارگری و اتحاد بزرگتر مردمی قرار می گیریم. اما متاسفانه هنوز در نیمه راه بودیم که دو رفیق پای اصلی کمسیون مطالعه از جمع خارج شدند و پس از آنهم وقت اساسی ما به دیگر مسائل پراکنده گرفتار آمد.

تزی شرط وشروطی عملن قاطی کردن مرزبندی هاست ،زمینه را برای رشد گرایش های اپور تونیستی و رویزیونیستی که باعث شکست های تعیین کننده ای در جنبش کارگری جهان وایران شده است فراهم می سازد . گرایش هایی که شاهرخ زمانی کاملن با آن ها خط کشی کرده است. در جمع قدم اول به بهانه ی تزی شرط وشروطی، بدون مشخص کردن کیفیت اعضا و درجه وفادارن ایشان به جنبش کارگری ، بدون مشخص کردن وظائف و مسئولیت ها مسلط شد . در زمانی که حتی گروهائی هستند که متشکل تر و با امکانات بیشتر انسانی در همین خارج کشور عمل می کنند چگونه می توان باور داشت یک جمع بدون شرط وشروط با نظرات گاهی متضاد بتوانند گامی درست در تدارک ایجاد یک حزب انقلابی بر دارد!

دوم

هر تشکل ، گروه ، هسته وحتی فرد که وظیفه مبرم و فوری جنبش کارگری و کمونیستی ایران را ایجاد حزب انقلابی پیشرو پرولتری می داند باید بر اساس اصول و برنامه شروع بکار کند. خود این وظیفه شناسی ، [نهم با تاکید روی مبرم و فوری بودن آن شرط وشروط مهمی است و مرزبندی دقیقی دارد. بطور مشخص تر بگویم جمع قدم اول در درجه اول خود باید به یک هسته ی یکی شده ای بر اساس اصول عام کمونیسم علمی و نظرات تلفیق داده شده ی این اصول با شرائط مشخص ایران که شاهرخ زمانی در شرائط سخت مبارزاتی و با امکانات سخت زندان ارائه داده است و دارای ارزش تاریخی است و ما به درستی در اولین اقدامات خود بر گزیده هایی از نظرات او را انتشار دادیم تبدیل شود . بدون داشتن یک هویت تعریف شده در جنبش پر سابقه ی کارگری ایران کار موثری در راه ایجاد حزب نمی توان به پیش برد

وظیفه مبرم در برابر جنبش کارگری و کمونیستی ایران نه تشکیل باز هم گروه دسته ها بلکه یکی کردن نیروهای کمونیستی و سوسیالیستی موجود و جلب محافل به جریان یکی شدن و پاسخ یک دست به این نیاز مبرم است. چهار دهه فعالیت های مستقل تشکل های چپ و کمونیستی چه آنهایی که به تنهایی خود را حزب نامیدند و چه آنهایی جمعی برای اتحاد عمل هائی تلاش کردند ، در داخل و خارج ایران قادر نشدند به عنوان یک الترنتاتیو موثر اجتماعی در برابر بورژوازی حاکم قد علم کنند. درس نگرفتن از این تجارب و تلاش باز هم بیشتر برای ایجاد تشکیلات ژلاتینی واقعن دیگر نه تنها غم انگیز است بلکه خنده آور است. اکنون تنها یک راه باقی مانده است و آنهم یکی شدن است یعنی متحد شدن کلیه احزاب و سازمان ها و منفردین چپ و کمونیست بر اساس اصول و برنامه در حزبی متحد . باید در درجه اول دل ها را به یکی شدن نزدیک کرد و در این زمینه جرات انقلابی را با درایت به میرمی و ضرورت ایجاد حزب انقلابی پیوند داد و اراده ی جمعی را خلق نمود. کسی در دوران ما می تواند کمونیست باشد که دارای آگاهی پرولتری باشد و آگاهی پرولتری همان کمونیسم علمی است که بر سنگ خارای ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیک بنا شده است . آگاهی پرولتری

یعنی پرولتاریا یک حزب دارد و آنهم حزب کمونیست است ، جهانی است . کمونیست های ایران متاسفانه در نیم قرن گذشته بر اثر نفوذ گرایشات خرده بورژوائی به دهها گروه ودسته تقسیم شده اند که باید با اصلاح به موضع آگاه پرولتری برگردند

سالهاست از پس از جدا شدن از حزب توده ایران در اوائل دهه ی چهل شمسی همراه رفقای دیگر برای ایجاد حزب کمونیست از طریق وحدت مارکیست- لنینیست ها و پیوند با جنبش کارگری تلاش کرده ام و در این روند تجربه ی یکی شدن 9 تشکل کمونیستی را در پشت سردارم که اگر سرکوب دهه ی شصت نبود بی شک تجربه ی پیروزمندی به حساب می آمد. افکار هدایت کننده ام در پیوستن به جمع قدم اول پیوستن به جمعی بود که دارای آگاهی پرولتری است یعنی اعضایش خود را کمونیست با جهانی یکی شدن در راه ایجاد حزب می داند. یعنی با کمونیستها یکی می شویم و با یکی شدن بهتر در خدمت طبقه کار گر قرار می گیریم و شرائط را برای ایجاد حزب در درون طبقه با معماران پیشرو کارگری فراهم تر می سازیم.

در جلسات ، بارها دلایل خود را برای رشد و گسترش جمع قدم اول ، ادامه کار و برای یکی شدن ابراز داشتم و در اینجا برای رفقای بیرون اشاره ای می کنم.

باید در تدارک ایجاد حزب سیاسی پیشرو پرولتاریایی با توجه به اوضاع ایران و گذشته و بویژه به نظرات زنده یاد شاهرخ زمانی در قدم اول با پافشاری روی نکات اساسی زیر روشن کنیم ما متعلق به طبقه کارگریم ، از جهانی بینی پرولتری پیروی می کنیم و با پرچمی روشن در سمت این طبقه استوار ایستاده ایم و این شرط و شروط جمع قدم اول است برای گام برداشتن در راه ایجاد حزب انقلابی مورد نظر شاهرخ زمانی و شاگردانش که در زوز خاکسپاریش فریاد کردند راه او راه ماست.

اول – بدون تئوری انقلابی که مارکس وانگلس بنیاد آنرا ریختند و در سالهای لبریز از مبارزه تکامل یافته است هیچ حزبی سیاسی پیشرو طبقه کارگر ساخته نمی شود . کمونیسم علمی مناسب ترین نامی است که تابحال برای این جهانی بینی و علم رهائی پرولتاریا انتخاب شده است.

دوم – حقیقت عام باید با شرائط مشخص تلفیق داده شود. تئوری تنها هنگامی به نیروی مادی برای تغییر تبدیل می شود که کارگران و توده ها آنرا بکار گیرند و چنین کاری تنها با تلفیق آن به شرائط مشخص ایران و با به روز کردن آن در نبردهای طبقاتی ، در آزمون های علمی واجتماعی می تواند صورت گیرد. لنین در جعبندی از پیروزی حزب بلشویسم روی سه نکته تاکید دارد یکم کارگران را ستوان فقرات حزب قرار دادن ، دوم با اپورتونیسم و رویزیونیسم سیزده ساله مبارزه کردن و قدم به قدم حرف هائی زدن که توده های وسیع مردم در عمل پی بردند بلشویسم خواست آنها را بازتاب می کند.

سوم – دوستان و دشمنان انقلاب کیا هستند . طبقه کارگر با کی باید متحد شود و علیه کی باید مبارزه نماید

این موضوع اساسی است و در این مورد شاهرخ زمانی با تحلیل مشخص از وضع مشخص ایران رهنمود های درستی مطرح می کند که می تواند پایه ی نظری در اینمورد قرار گیرد. این نظرات در کتاب برگزیده های شاهرخ آمده است

چهارم – نظام سرمایه داری همچنان با رشد و تکاملش به مرحله انحصاری جهان را زیر سلطه قهار خود قرار داده است ورقابت امپریالیستی برای سرکردگی بر جهان بشریت را به لبه نبوری کامل کشامده

است. از این نظر پرولتاریا مسئولیت نجات کل بشریت را تاریخن بعهده دارد. نابودی یا سوسیالیسم ما هنوز در دوران تاریخی انقلابات سوسیالیستی هستیم. انقلاب ایران در چنین دورانی و در دل منطقه ی رقابت امپریالیستی و علیه یک نظام سرمایه داری با روبنای اسلامی در حال پیش رویست. این انقلاب تنها سوسیالیستی می تواند باشد که بتواند به خواست اساسی توده های عظیم مردم یعنی نان ، آزادی ، برابری پاسخ گوید.

پنجم - وظیفه مبرم و فوری کلیه تشکل ها و افراد کمونیست و سوسیالیست اینست براساس اصول عام کمونیسم علمی و آموزش های تلفیق داده شده ی آن توسط شاهرخ زمانی با شرائط ایران یکی شوند و متحدن به امر عملی چنین حزبی که پایه های آن در مراکز کارگری باید بنا شود ، بپردازند

ششم - خدمت به ایجاد تشکل های کارگری مستقل از رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیستی را بعنوان وظیفه جدا ناپذیر و اصلی کمک دهنده به امر ایجاد حزب بداند و تمام فعالیت های مبارزاتی خود را در تمام دوره ی تدارک از جمله تبلیغ و ترویج را در این راه بگذارد و این نکته را هم بعنوان خط قرمز خود با دیگر گرایش های مارکسیستی تلقی کند. تجربه تاریخی در ایران نشان میدهد بدون یک جنبش کارگری متشکل وسیع که اکثریت عظیم کارگران را در بر بگیرد نه حزب واقعی انقلابی می تواند دوام یابد و نه انقلابی سوسیالیستی پیروز می شود. این نکته یکی از برجسته ترین پراتیک رفقای شاهرخ زمانی بوده و نقطه عطفی در امر حزب سازی کمونیستی می باشد که باید از آن پیروی شود

هفتم - مبارزه برای ایجاد وسیعترین اتحاد توده ای - بدون جنبش زنان ، جوانان ، دانشجویان ، معلمان ، باز نشستگان ، بیکاران که در ایران امروز قشر های وسیعی را در بر می گیرند و رهائی و آزادیشان در گرو آزادی طبقه کارگر است ، تحت هژمونی سیاسی طبقه کارگر و حزب پیشرو انقلابی آن ، نمی توان دشمنان داخلی و خارجی را در ایران شکست داد و قدرت سیاسی طبقه کارگر را مستقر کرد. باتوجه به تاریخ ستمگری طولانی استبداد آسیائی و تجارب منفی گذشته کشورهای سوسیالیستی دیکتاتوری پرولتاریائی ما باید از نوعی باشد که وسیعترین توده ها را تا حد 99 درصد را در بر بگیرد و نمونه ای پیشرفته در دمکراسی واقعی پرولتاریائی با توجه به عصر علم و آگاهی باشد. دیکتاتوری پرولتاریائی ما با پشتبانی 99 درصدی ، با تمامن و کاملن در خدمت اکثریت عظیم مردم بودن ، با بکار بردن پیشرفته ترین قوانین علمی در خدمت تولید برای رفع احتیاجات مردم نه برای سود بیشتر ، دیکتاتوریت که رو به زوال خواهد رفت و برای همیشه همراه دیگر خلق های جهان نظام های طبقاتی را از روی کره زمین بر می چیند. توده ها سازنده ی تاریخند ، کادر های حزب انقلابی پیشرو پرولتاریائی باید پیوندشان با طبقه و توده ها مثل آب و ماهی باشد. انقلاب را توده ها به سرانجام می رسانند و دیکتاتوری پرولتاریا بدست اکثریت عظیم توده بر پا می شود و به همان اکثریت عظیم خدمت می کند.

هشتم - به نیروی چپ اعتماد کنیم ، به کمونیست ها بدور از تفاوت های نظری عشق بورزیم و از جنبش چپ و کمونیستی جهان و ایران دفاع کنیم . این اولین گام در تدارک ایجاد یک حزب انقلابی پرولتاریائی در ایران از طریق متحد کردن کمونیست هاست . باید از منفی گری کنونی در جنبش کمونیستی که نتیجه ی پیروزی ایدولوژی دشمنان طبقاتی پرولتاریاست انتقاد کنیم ، باید از دستاوردهای عظیم بشریت

متزقی که بشکرانه ی جهانبنی کمونیستی و قوانین ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیک بدست آمده قدر دانی کنیم و بار دیگر نسل کنونی را به راستین بودن انقلابیون پیش از ما که در صفوف میلیونی برای آرمان های بشریت متزقی مبارزه کردند ایمان داشته باشیم .

باید از افراطگری در زمینه اختلافات تئوریک پرهیز کرده ، سکتاریسم ناشی از آنرا طرد نموده و دست های کمونیست های موجود را که همچنان در شرائط بسیار سخت به آرمان های خود وفادار مانده اند رفیقانه بفشاریم. تنها در این صورت است که می توانیم کمونیست ها را متحد و یکی کنیم و گامی اساسی در تدارک ایجاد حزب بر داریم. سکتاریسم موجود که ریشه آن میان روشنفکران خرده بورژوازی من اول و بدور از جنبش واقعی کارگری دارد، سالهاست در امر یکی شدن کمونیست ها اخلاص می کند و سد بزرگی در پیش روی به جلو و تربیت نسل جو ان نقلابی است. در هر مجلسی که جوانان با شور و شوق بروز هستند باید از آنها آموخت و به نوسازی خود پرداخت .

نقطه پایان

نظر خواهی از داخل و تصمیمی جمعی تر برای پیشروی

ادامه ی کار قدم اول به شیو های این چند سال گذشته ما را نه تنها به خدمت به تدارک حزب نزدیک نمی کند بلکه ما را از هم دور کرده و به خواست رفقای کارگر برای متحد کردن کمونیست ها لطمه می زند. باید با کمک رفقای هم‌رزم شاهرخ زمانی برای پیش روی به جلو از این حلقه جمع کوچک که اختلاف هر روز زیادتر می شود بیرون آئیم . شاهرخ زمانی را معلم خود بدانیم و راه او را برای ایجاد حزب انقلابی در پیش بگیریم . راه اصلاح پیروی از آموزش های اوست و ایجاد تشکیلاتی با شرط و شروط اصول کمونیستی است که شاهرخ مطرح کرده و برای اینکه بتوانیم به نوسازی قدم اول مشترکین بپردازیم ضروری است بجای شیوهی تا کنونی افشاگرانه و نفی نظرات یک دیگر ، با نقد این نوع برخوردها و انتقاد از خود ، نشست بزرگتر با شرکت بانیان داخل کشور قدم اول که رفقای کارگر هستند و هم‌زمان شاهرخ زمانی می باشند تشکیل شود و تصمیم نهائی و مشترکی را برای ادامه بهتر کار گرفته شود . ما باید به راهی که شاهرخ زمانی رفته است وفادار بمانیم و به ندای جوانان کارگری که بر سر مزار شاهرخ ندا دادند شاهرخ معلم ماست گوش کنیم. در این زمینه هر چقدر فروتن باشیم و هرچقدر به آموزش از شاهرخ زمانی توجه کنیم بهتر می توانیم به تدارک برای ایجاد حزب انقلابی کمک برسائیم. چنانچه بخواهیم روی یک نکته کیفی براننده ی جمع قدم اول انگشت بگذاریم نکین سرخ کمونیست تا آخر ، شجاع و مد بر بودن شاهرخ زمانی است که متاسفانه با روش در های باز و بدون شرط و شروط در این سال ها آنطور که وظیفمان حکم می کرد نتوانستیم به راه شاهرخ خدمت نمائیم.

دیلیم . سی یکم ژانویه 2018

جواب نقد های رفقا ابراهیم و دیلم

رفیق کاک ابراهیم در متن اعلام جدا شدن خود از جمع قدم اول مطلبی با عنوان «قدم اول حرکت در سراب بی راهه ها!» نوشتند که با واقعیت های اتفاق افتاده تفاوت بسیار دارد. هر چند پرداختن به کلیه آن ها ائتلاف انرژی است، اما در صورت عدم نقد، مطلب فوق می تواند ابهام هایی ایجاد کند که بی شک به ضرر جنبش تمام شود. از این زاویه ما فقط به برخی از قسمت های آن می پردازیم، و با استناد به مدارک موجود بی پایه بودن نوشته ایشان را ثابت می کنیم.

۱- متاسفانه رفیق ابراهیم علی رغم اینکه به عنوان نماینده حرا (حزب رنجبران ایران) در جمع قدم اول، وظیفه اش را تحقیق در مورد جمع قدم اول از طرف حرا اعلام می کند، اما عملاً در مقام یک محقق، نا توان از انجام ماموریت خود به روش اصولی و علمی است، و هیچ حرکت و اثری از تحقیق مشاهده نشده است.

۲- محققى که قبل از ورد به جمع قدم اول، و بعد از ورود، در حین حضور در جمع طی بیش از سه سال، در زمان تصویب و بازبینی مجدد سند هشت ماده ای و بازبینی سند ۲۵ ماده ای، را که خود نیز در این مصوبات حضور داشت، و دعوت نامه ها، گزارشات، اعلام اهداف و ... را، و حتی تا زمان نگارش نامه برای اعلام خروج خود از جمع قدم اول، هیچ کدام از اسناد فوق را که باید معمولاً در اولین و شاید در قبل از ورود به هر جمعی میباید مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند مطالعه نکرده است، روزگار عجیبی ست محققى که مواد اولیه موضوع مورد تحقیق را مطالعه نمی کند، و برای پیدا کردن بهانه و جبران کوتاهی در انجام وظیفه اش هر آن چه که میتواند عدم دقتش را توجیه نماید به کار گرفته. از یک جریان مدعی بیش از نیم قرن مبارزه آن هم به عنوان کمونیست بسیار بیش از این ها انتظار میرفت. اما متاسفانه جریانی که هنوز از فرستاده خود نپرسیده که پایه و مواد تحقیقاتی شما چه بودند و چرا قبل از اعلام نظر آنها را مطالعه نکردی؟

۳- ایشان و رفیق دیلم در بیشتر نوشته ها و گفته ها ایشان تلاش دارند جمع قدم اول را مغایر با خواسته ها و نظرات شاهرخ زمانی نشان داده و تشکیک ایجاد کنند، و افکار و اندیشه های شاهرخ را به خودشان و خودشان را به اندیشه های شاهرخ سنجاق کنند، متاسفانه در این رابطه نیز به اسناد انکار ناپذیر موجود توجه نمی کنند. شاهرخ به صورت بسیار روشن خود را مارکسیست لنینیسم و مبرا از استالینیسم و مائوئیسم اعلام می کند، یا در فایل صوتی که در تاریخ ۱۳۹۳ برای تذکر و توجه دادن همین رفقا منتشر شده <https://www.youtube.com/watch?v=LGNADyCp2jQ> شاهرخ در رابطه با اهداف و برخی از جزئیات قدم اول مانند بدون شرط و شروط بودن، کار مشترک در نقاط مشترک و ساختن دو کمیته سازمانده و نشریه و یا به نوشته های شاهرخ که در بولتن های قدم اول موجود هستند، برخی از مواد سند ۲۵ ماده ای از نوشته های شاهرخ به شکل کپی پست تهیه شده است و ... توجه نمی کنند و تلاش می کنند برای

توجیه نظرات خود بهانه بتراشند.

۴- رفیق ابراهیم فکر می کند تنها خودش و جریان متبوع ایشان انحصارا مالک اصول ناب کمونیستی است و سایر کمونیست های جهان تحت تاثیر گرایش های بورژوایی و با یک درجه تخفیف گرایشات خورده بورژوایی هستند . به محض اینکه ایشان نکته ای را مطرح کرد همه باید (فتوهای ایشان را) به پذیرند ، عدم پذیرش فتوای ایشان ، با برچسب همیشه موجود ارتداد از مارکسیست و یا خورده بورژوا مواجه هستند و یا تحت تاثیر افکار خورده بورژوای قرار دارند. البته خود ایشان همواره عصاره فضایل ناب پرولتار هستند.

۵- رفیق ابراهیم و رفیق دیلم در هر جلسه ای بار ها بیان میکردند که برای آموختن آمده اند که رفیق ابراهیم در همین نوشته خودش نیز موضوع آموختن را به شکل زیر « ... دریافت شد که شور و شوق بی نظیری را در حزب رنجبران ایران (حرا) برای آموختن از نظرات کارگران کمونیست داخل ایران بوجود آورد ... » تکرار کرده است ، اما متاسفانه این گفته را نیز میتوان فقط در حد ژست های روشن فکری تلقی کرد و به هیچ وجه نباید آن را جدی تلقی کرد. چرا که هرگز این دو رفیق قصد و هدف آموختن نداشته و ندارند ، بلکه تکرار این که می خواهیم بیاموزیم تنها ژست و تعارف است و بس. کسی یا کسانی که ادعای آموختن دارند چرا اسناد قدم اول را مطالعه نکردند این چگونه آموختن است؟

هر وقت از رفیق دیلم و رفیق ابراهیم پرسید : اگر کمونیسم علمی مورد نظر شما در جهت ساختن حزب ایرادی ندارد و نیازی نمی بینید که تطابق اصول آن را با شرایط امروز به بحث و تبادل نظر بگذارید و می خواهید آن را بی کم و کاست به عنوان شرط ساختن حزب قرار بدهید و از این زاویه است که با طرح همکاری بدون شرط و شروط مخالف بوده و کمونیسم علمی مورد نظر خودتان را آلترناتیو بدون شرط و شروط می گذارید ، چرا از حدود ۵۰ سال گذشته که طبق گفته خودتان بیش از ۶۰ الی ۷۰ درصد حزب توده را جدا کرده با خود همراه کردید ، و طبق گفته شخص رفیق ابراهیم دویست و خرده ای فقط کادر حزبی داشته اید که با یک حساب ساده سر انگشتی بیش از هزار عضو در این حزب فعالیت میکردند، بازده این تئوری های ناب چه بوده که دیگر حتی حوضی هم برای علی نمانده است. چرا طی ۵۰ سال گذشته با چنین تئوری بی عیب و مشعشع خود نتوانستید حزب مورد نظر را بسازید؟ در جواب می گویند ، نفوذ افکار و نیروهای خورده بورژوازی ، رفرمیسم ، انحلال طلبی و ... باعث بی نتیجه ماندن شده است . این رفقا در انتظار روزی هستند که خورده بورژوازی ، رفرمیسم و انحلال طلبی و ... از بین بروند و هیچ مانعی سر راه شان نباشید یا گرایشات مانع ، اخلاقا» به این رفقا تعهد بدهند که مانع نخواهند شد تا رفقا با استفاده از تئوری « کمونیسم علمی خود بتوانند حزب مورد نظر شان را بسازند. این رفقا باید قبول کنند که دشمن پول ، قدرت، ابزارهای بازدارنده تبلیغاتی دارد، چیزی که ندارد اصول است و این وضع تا زمانی که سرمایه داری وجود دارد پا برجا است . باید قبول کنیم که با وجود همه این موانع باید راه کارهای مبارزاتی برای ساختن حزب و پیش برد اهداف آن پیدا کنیم، تحلیل مشخص از شرایط مشخص یعنی همین.

رفیق ابراهیم می گوید « طبق پیشنهاد رفیق کارگر آمده از ایران قرار شد من نظر حرا را در مورد ایجاد حزب کمونیست ایران بیان کنم که می توانست در صورت توافق، تلاش برای گذاشتن گامی به پیش این تدارک فراهم شود. این پیشنهاد در دیدارهای بعدی صورت گرفت و طبق رهنمود لنین در مورد تشکیل حزب بلشویک روسیه، در ۱۰ نکته که در وبلاگ این رفیق آمده است، نظر حرا را ارائه دادم.» لازم به ذکر است که منظور رفیق ابراهیم یکی از مناظراتی است که بین گرایشات شرکت کننده در جمع قدم اول به شکل معمول انجام می شد و چند تای از آنها را هم رفیق ابراهیم طرح بحث کردند و جلسه خاص مورد نظر نیز در آدرس زیر که سایت جمع قدم اول است قرار دارد و این سایت متعلق به جمع قدم اول است نه رفیق کارگر از ایران آمده و پیدا کنید علت بکار گیری این عبارت را!! (http://nashriye.com/?p=611). رفیق ابراهیم می گوید « اما رفیق کارگر از ایران آمده در برابر پیشنهاد ۱۰ نکته ای حرا آلترناتیو «بسترسازی» و شرکت بدون قید و شرط براساس حرکت از «اولین توافقات موجود و بحث در مورد حل اختلافات» را برای تشکیل حزب ارائه داد.»

لطفاً دقت کنید :

- ۱- رفیق ابراهیم ۱۰ نکته مورد نظر خود را در تاریخ ۷ تیر ماه ۱۳۹۴ ارایه داده است .
 - ۲- موضوع بستر سازی و همکاری گرایشات بدون گذاشتن شرط و شروط در تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۹۳ در فایل آئین نامه ۲۴ ماده ای جمع قدم اول پیشنهاد شده است و در مرداد ماه ۱۳۹۳ تصویب شده است ، یعنی ۱۱ ماه قبل از ارایه ده ماده رفیق ابراهیم ، آیا کسی می پذیرد که ما از یک سال قبل جواب ده ماده ای رفیق ابراهیم را به صورت آلترناتیو ارایه داده باشیم؟ باید به ایشان تذکر داد که آلترناتیو بعد از پیشنهاد است و نه قبل از آن. این مرحله زمانی (تصویب آئین نامه ۲۴ ماده ای) بود که هنوز جمع قدم اول حتی به شکل رو به عموم طرح نشده بود هنوز مراحل اولیه خود را برای روشن کردن ساختار های خود طی می کرد، و حتی بولتن داخلی آن فقط برای افراد محدود و مشخص ارسال می شد و بحث های عمومی خود را هم شروع نکرده بود .
 - ۳- موضوع بستر سازی و همکاری بدون شرط و شروط پس از اینکه تشکیل دهندگان اولیه جمع قدم اول تصمیم می گیرند بحث دعوت را رو به عموم طرح کنند و همچنین تصمیم میگیرند اولین نشریه رو به عموم خود را ارایه بدهند ، بنا شد به جای انتشار بیانیه اعلام موجودیت دقیقاً» به دلیل تفاوت ساختار جمع قدم اول با بقیه نیرو ها ، موضوع را در قالب سرمقاله شماره اول نشریه نوشته شود . سرمقاله فوق در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۹۳ منتشر شد یعنی ده ماه قبل از ده نکته رفیق ابراهیم .انتشار نشریه بدون سرمقاله (با استثنای فقط در شماره اول) تصمیم آگاهانه ای بود که به وسیله بنیان گزاران قدم اول گرفته شده بود.
 - ۴- بستر سازی ، همکاری عملی مشترک در نقاط مشترک، و بحث و تبادل نظر در نقاط اختلاف و همکاری بدون شرط و شروط در دعوت نامه جمع قدم اول که مصوب عمومی بود قید شده است و این دعوت نامه در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۹۴ یعنی سه ماه قبل از ارایه ده نکته توسط رفیق ابراهیم رو به عموم منتشر شده است.
- همه این موارد و دهها مقاله دیگر از رفقا در جمع قدم اول نشان می دهند که بحث بستر سازی و همکاری بدون شرط و شروط قبل از آمدن این رفقا(ابراهیم و دیلم) به جمع قدم اول و قبل از ارایه ده نکته حرا توسط ایشان در جلسات جمع قدم اول مطرح و تصویب شده و رو به عموم منتشر شده است. ما دهها بار به رفیق ابراهیم تذکر دادیم و از ایشان رفیقانه درخواست کردیم که اسناد اولیه قدم اول را «مجددا» مطالعه نماید. (به خاطر حفظ احترام می گفتیم مجددا» در حالی که متوجه شده بودیم اصلاً» مطالعه نکرده است بالاخره تا آخر نیز مطالعه نکرده تحقیقات خود را به بیان رسانده و اظهار نظر نیز کردند.) به نظر میرسد ایشان اتفاقاً بدون قید و شرطی را برای خود میپسندند احتمالاً شرط و شروط برای دیگران هم باید به فتوای ایشان باشد.
- جمع قدم اول تصمیم گرفت آئین نامه ۲۴ ماده ای را که در تاریخ مرداد ماه ۱۳۹۳ تصویب و انتشار عمومی یافته بود را باز بینی کند و انتظار میرفت کسانی که قرار بود دخالت کرده و در تصویب نهایی آن شرکت کنند بدانند چه چیزی را میخواهند مورد باز بینی قرار دهند. در این باز بینی رفیق ابراهیم و دیلم نیز حضور داشتند . در آئین نامه ۲۴ ماده ای را که یک سال قبل تر تصویب شده بود چرایی لزوم بستر سازی و تصویب ان توضیح داده شده بود. اگر ایشان به هر دلیل کم کاری کرده و آن را مطالعه نکرده اند ، آیا اشکال از طرف جمع قدم اول است؟ در آن جلسات حتی یک ماده به آن اضافه شده و به سند ۲۵ ماده ای تبدیل شد و خود رفقا ابراهیم و دیلم نیز به عنوان اعضای تصویب کنندگان متعهد به رعایت آیین نامه فوق شدند .
- در ادامه رفیق ابراهیم می نویسد : «. بحث ایدئولوژیک طولانی من با این دیدگاه «قدم اولیها» ادامه یافت و علیرغم دعوت این رفیق و رفقای دیگری که آمده بودند، جوابی به من داده نشد. « جریانات زیادی هستند که بدون مطالعه اسناد و نوشته ها و اعلام های یک جریان اقدام به بحث ایدئولوژیک در مورد جریان فوق می کنند که این روش غلط (یعنی فکر می کنند همه چیز را می دانند و نیاز به مطالعه و آموزش ندارند) در بین بسیاری از مدعیان انقلابی به

روش معمول تبدیل شده است، ما به تمامی بحث ها و سوالات ایشان پاسخ دادیم ولی چه کنیم که ایشان هر گز نخواستند و یا نتوانستند به سوالات ما پاسخ بدهند (لینک های تعدادی از بحث ها را در زیر می گذاریم)

(جلسه اول مناظره در رابطه با پیشنهاد ده ماده ای کاک ابراهیم، قسمت دوم مناظره در مورد « بستر سازی برای حزب »، مناظره دهم اسفند ۱۳۹۳ «بستر سازی برای حزب» ، برنامه تدارک حزب انقلابی پاسخ به نقد رفیق ابراهیم - ک از حزب رنجبران (قسمت اول) ، برنامه تدارک حزب انقلابی پاسخ به نقد رفیق ابراهیم- ک ، برنامه تدارک حزب انقلابی پاسخ به نقد رفیق ابراهیم - ک از حزب رنجبران (قسمت دوم) ، بررسی مطلبی در رابطه با کمونیست شرقی و اورو کمونیست ، بحث امپریالیسم و ارتباط آن با سرمایه داری دوم کامل)

[list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&٥=index&https://www.youtube.com/watch?v=sclQFkMo٦P&list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&٦=https://www.youtube.com/watch?v=HHzNN١ZyRMk&index](https://www.youtube.com/watch?v=sclQFkMo٦P&list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&٥=index)

[list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&١٣=https://www.youtube.com/watch?v=rsSaMIA٦yxZ&index](https://www.youtube.com/watch?v=rsSaMIA٦yxZ&list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&١٣=)

[list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&١٤=https://www.youtube.com/watch?v=kYhnqIscHUw&index](https://www.youtube.com/watch?v=kYhnqIscHUw&list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&١٤=)

[list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&١٣=https://www.youtube.com/watch?v=rsSaMIA٦yxZ&index](https://www.youtube.com/watch?v=rsSaMIA٦yxZ&list=UU٦yWhxNVqzP٨MEVم٥T٨cegA&١٣=)

<https://www.youtube.com/watch?v=r٣OPKufaSbU>

<https://www.youtube.com/watch?v=MAyDx٨zMgXU>

رفیق ابراهیم موارد زیادی را به شکل نوک زدن طرح کرده که پرداختن به همه آنها نه لزومی دارد و نه ممکن خواهد بود اما مجبوریم به برخی به شکل مختصر بپردازیم .

یکی از آنها که رفیق ابراهیم پیش کشیده است اختلاف رفقای ما با جریان حرا و جریانات بسیاری که برای مبارزه با امپریالیسم با اشکال مختلف سرمایه داری هم پیمان می شوند، است ، اختلاف ما با این جریانات در مورد رابطه بین اشکال مختلف سرمایه داری با امپریالیسم است، ما این جریانات را مخالف نظریه های لینین در رابطه با امپریالیسم می دانیم و در همین حال آنها را در رابطه با امپریالیسم کائوتسکیست می شناسیم ، کائوتسکی اعتقاد داشت امپریالیسم انحراف از سرمایه داری است یعنی سرمایه داری می تواند رشد کند اما امپریالیست نشود ، ولی لینین اعتقاد داشت امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری است یعنی وقتی سرمایه داری رشد می کند مرحله امپریالیستی اجتناب نا پذیر است . خوانندگان می توانند پس از خواندن و شنیدن بحث رفیق ابراهیم و دیلم در رابطه با ارتباط امپریالیست با سرمایه داری با نظریه لینین و کائوتسکی در رابطه با امپریالیست مقایسه کنند و متوجه خواهند شد که نظرات این دو رفیق نقطه به نقطه با نظرات کائوتسکی انطباق دارد و مخالف نظر لینین است . (در این رابطه می توانید بحث ها را، در لینک های بالا دنبال کنید.) حالا با این دو نظریه جریانات مختلف مدعی مبارزه با امپریالیسم را بررسی می کنیم جریاناتی که با بیان تئوری های بزرگ کرده مانند ترسه جهانی ، مرحله بندی انقلاب ، همکاری با بورژوازی ملی و یا سرمایه داری داخلی و انقلابات رنگین کمانی، انقلابات مخملی ، انقلاب انسانی ، انقلاب زنانه ، انقلاب همه باهمی ، انقلاب توسط کمونیستی ها بدون حضور یا بدون رهبری طبقه کارگران و ... برخی هم پیمان استراتژیک با انواع سرمایه داری می شوند تا در مقابل امپریالیسم و برخی بر عکس مبارزه کنند، جریاناتی که در بین شکاف جناح های مختلف سرمایه داری بازی می کنند (این نمونه ها را در سال ٥٧ در ایران به وضوح دیدیم .) همه اینها کم و بیش اعتقاد دارند سرمایه داری می تواند بدون اینکه به شکل امپریالیستی تبدیل شود، یا از طروق مختلف به امپریالیسم وابسته باشد می تواند مستقل بوده و اگر هم رشد کند امپریالیست نشود، این نظریه مخالف نظریه لینین بوده و در واقع همان تئوری کائوتسکی است، همه می دانند که خیانت های سوسیال دمکراسی در جنگ جهانی اول و به شکست کشاندن انقلابات در اروپا نتیجه همین تئوری به غایت انحرافی کائوتسکی بود، که شکل های جدید آن در بسیاری از کشور ها بر مبنای پیروی از هم پیمانی جریانات کمونیستی با بورژوازی ملی و سرمایه داری های داخلی و یا بر عکس بوده است که هنوز تحت پوشش تئوری های مختلف احزاب برادر و حوالی آنها و یا جریانات مقابل

آنها به شکل نا محسوسی ادامه دارد. (ما این انحرافات با عناوین کمونیستی را به شکل‌های زیر نام گذاری می کنیم

۱- طیف غربی انحراف از کمونیسم ۲- طیف شرقی انحراف از کمونیسم). ما اعتقاد داریم امپریالیسم بالاترین مرحله حاکمیت طبقه سرمایه داری است در همین حال تمامی اشکال سرمایه داری بخش های مختلف حاکمیت چه آنها که با امپریالیسم هماهنگ نبوده و رو در روی آن قرار دارند و چه آن بخشی که اقمار امپریالیسم محسوب می گردند همگی پایه های اصلی سرمایه داری بخصوص پایه های اصلی بالاترین مرحله سرمایه داری، یعنی امپریالیسم هستند و امپریالیسم از طریق روابط مختلف ، مناسبات و کانال های مختلف اشکال گوناگون سرمایه داری، کارها و حاکمیت سرمایه دارانه خودش را پیش می برد ، ما هم چنین اعتقاد داریم ، امپریالیسم حاصل روند رشد طبیعی تمامی اشکال مختلف سرمایه داری ها است، یعنی هیچ نوع از سرمایه داری نمی تواند رشد کند اما به امپریالیسم تبدیل نشود. در این مورد ما نظریه لنین را دقیق میدانیم و مخالف نظریه کائوتسکی می باشیم ، در حالی که رفیق ابراهیم به عنوان نماینده حرا می گوید «سپس درمورد ارزیابی از وضع جهان در مورد اینکه گرچه مناسبات سرمایه داری بر جهان کنونی غالب است(اقتصادی)، ولی درعرصه سیاسی نظام حاکم بر جهان امپریالیسم است »

ما از این گفته رفیق ابراهیم موارد زیر را متوجه می شویم ،

یعنی از نظر سیاسی سرمایه داری حاکم نیست ، یعنی امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری نیست ، یعنی امپریالیسم ادامه سرمایه داری یا بخشی از آن نیست ، یعنی امپریالیسم انحراف از سرمایه داری است، یعنی اگر مناسبات سیاسی سرمایه داری حاکم شود با امپریالیسم تفاوت خواهد داشت و ... ، اگر امپریالیسم با سرمایه داری فرق دارد و مناسبات اقتصادی سرمایه داری غالب است و حاکمیت سیاسی امپریالیستی است نه سرمایه داری و این دو را یعنی حاکمیت سیاسی را از غالب بودن مناسبات اقتصادی جدا می کنیم ، چنین تقسیم کردن باعث شده مبارزه سیاسی را از مبارزه با مناسبات اقتصادی سرمایه داری که پایه های اصلی سرمایه داری است جدا کنیم ، بدنبال چنین تفکیکی مبارزه با امپریالیسم (مبارزه سیاسی) را مقدم بر مبارزه با مناسبات سرمایه داری (مبارزه با اقتصاد سرمایه داری) قرار می دهیم که در واقع مبارزه ما بخشی از مبارزه جناحین سرمایه داری می شود همان گونه که جناح های گوناگون سرمایه داری با هم مبارزه سیاسی می کنند و هرگز در مورد ساختارها و مناسبات اقتصادی حاکم با هم اختلافی ندارند پیروان این جریانات نیز با تفکیک مبارزه سیاسی از مبارزه با مناسبات اقتصادی ، مبارزه با امپریالیست بدون مبارزه با مناسبات سرمایه داری دنباله رو جناحی از سرمایه داری (بورژوازی ملی ، سرمایه داری داخلی ، طبقه متوسط ، خرده بورژوازی و بر عکس این ها جریاناتی که زائده سرمایه داری جهانی شده دچار اغماز در مبارزه با امپریالیسم) می شوند که تاریخا» نیز این موارد در قالب مرحله بندی انقلاب بارها ثابت شده است. این جریانات در واقع ندانسته پیروان کائوتسکی و انترناسیونال دو و نیم (ادامه انترناسیونال دو) هستند که در کمترین هم دست بالا را کسب کرده باعث شدند جریان رویزیونیستی انقلاب کارگری را به انحراف و بشکست بکشاند. در واقع محور مرکزی که باعث غالب شدن انحرافات در این جریانات می گردد همانا عدم درک رابطه علت و معلولی بین سرمایه داری و امپریالیست است، یعنی به دلیل عدم درک این رابطه برای مبارزه با امپریالیسم (برای مبارزه با معلول) با بخش های از سرمایه داری (با بخش های از علت) هم پیمان شده رهبری خود و نیروهای اجتماعی خود را به جناحی از سرمایه داری واگذار می کنند . ما سوال می کنیم ، امپریالیسم حاکمیت سیاسی خود را بر پایه چه مناسباتی بر قرار کرده و پیش میبرد؟ اختلاف اصلی بین ما با رفقا ابراهیم و دیلم در این نقطه است که از نظر ما این دو رفیق نظریه کائوتسکی را در مورد امپریالیسم نمایندگی می کنند و ما نظریه لنین را در مورد امپریالیسم نمایندگی می کنیم که رفقا نتوانستند این موضوع را پیش خود حل و هضم کنند.

یکی دیگر از مهمترین اختلافات ما با رفیق ابراهیم در رابطه جعبه در بسته کمونیسم علمی ایشان است ، چون ایشان شدیداً اعتقاد دارد که تنها اصول انقلابی کمونیسم علمی ایشان است که در آن قید شده امپریالیسم با سرمایه داری تفاوت دارد . اینجاست که ما می گوییم این صندوقچه در بسته کمونیسم علمی حرا را باز کنید و آن را به بحث

بگذارید تا تعداد بیشتری از فیض این بسته بهره مند شوند. رفیق ابراهیم اما حاضر نیست اصول مورد اعتقادی خود را یک به یک به بحث و تبادل نظر بگذارد چون در نقد کمونیسم علمی که رفیق ابراهیم معتقد است حاصل ۲۰۰ سال تجربه مبارزات کمونیستی و کارگری است مسائل نا روشن بسیار وجود دارد که رفقا می خواهند با اسم مارکس و لنین به بقیه قالب کنند. اینکه رفیق ابراهیم می گوید ایشان به جای ردیف کردن ایسم های مختلف می گوید کمونیسم علمی، از نظر ما کافی نیست، ولی چون ایشان حاضر نیست اصول کمونیسم علمی خود را یک به یک مورد بررسی یا به بحث بگذارد میشود نتیجه گرفت که با بهانه کمونیسم علمی می خواهند چند ایسم دیگر را قالب کنند.

ما اعتقاد داریم مبارزه با امپریالیسم بدون مبارزه با بقیه اشکال سرمایه داری ممکن نیست به عنوان مثال، مبارزه با امپریالیسم امریکا بدون مبارزه با امپریالیسم روسیه یا دیگری یا برای مبارزه با امپریالیسم روسی هم پیمانی با امپریالیسم امریکا یا بر عکس، یا برای مبارزه با سرمایه داری ایران هم پیمانی با امریکا و ... ممکن نیست، تقزیبا» تمامی موارد گفته شده در بالا را می توان به سادگی در جنگ کنونی خاور میانه در رابطه با کرد های سوریه مشاهده کرد. طی ۷ سال گذشته کرد ها مجبور شدند با نیروهای مختلف سرمایه داری و امپریالیست های مختلف هم پیمان شوند و هر از چند گاهی یکی را جایگزین دیگری در هم پیمانی با خود کنند، اما همه شواهد نشان میدهد هیچ کدام از این به اصطلاح هم پیمانان سودی برای کسب آزادی برای کرد ها نداشتند. در آن جا مبارزه طبقاتی و صف بندی های طبقاتی در حد تعیین کننده در جریان نبود و نیست، اگر مبارزه طبقاتی بود میتوان انتظار داشت که نیروهای امپریالیستی به طرز وحشت ناکمی با هم متحد شده و دیگر نشانی از کرد های سوریه نمانده بود. رفیق ابراهیم و رفیق دیلم تلاش می کنند کمونیسم علمی خودشان را مطابق با گفته های شاهرخ زمانی و کمونیسم علمی او جا بزنند، اما کمونیسم علمی شاهرخ تفاوت کلی با محتوای جعبه در بسته رفقا دیلم و ابراهیم دارد.

به عنوان مثال :

- ۱- شاهرخ ضمن بیان اینکه کمونیسم علمی را قبول دارد، خود را مارکسیست لنینیست اعلام می کند که در نوشته هایش موجود است.
- ۲- شاهرخ اعلام کرده است که انقلاب پیش رو سوسیالیستی است و هیچ گونه مرحله بندی انقلاب را قبول ندارد
- ۳- شاهرخ از ایسم ها فرار نمی کند و خود را تنها مارکسیست لنینیست می نامد
- ۴- شاهرخ ضمن اینکه برخی از کارها و گفته های مائو و استالین را قبول داشت اما هم مائو یسم و هم استا لینیسم را انحراف از مارکسیست لنینیست می دانست
- ۵- شاهرخ در رابطه با امپریالیسم پیرو نظریه لنین بود امپریالیسم را مرحله ای و بالاترین مرحله ای از سرمایه داری می دانست.
- ۶- شاهرخ دو نوع نوشته در رابطه با حزب دارد یک نوع آن نوشته ها در مورد مسایل عمومی و کلی حزب است که بیان می کند حزب طبقه کارگر چگونه باید باشد و چه اعتقاداتی یا برنامه های باید داشته باشد و چگونه رهبری کند و غیره که رفیق دیلم و رفیق ابراهیم تلاش می کنند با تکیه به آنها که به مثابه کلی است وانمود کنند که بحث های شاهرخ با قدم اول فرق داشت و به کمونیسم علمی این رفقا نزدیک بود، اما متاسفانه این رفقا به بخش دوم نوشته های شاهرخ در رابطه با حزبی است که موضوع قدم اول است و شاهرخ در این موارد نیز نوشته هایش را به این موضوع اختصاص داده. رفقا دیلم و ابراهیم به این بخش اصلا توجه ندارند و یا شاید اصلا» نمی خواهند قبول کنند که چنین نوشته هایی وجود دارد. بخش دوم از نوشته های شاهرخ را باید رفقا در بولتن های نه گانه جستجو کنند یا به دو مطلب زیر و هم چنین به مطالب نشریه انقلاب سرخ مراجعه کنند آنگاه متوجه خواهند شد که دو بخش از نوشته های شاهرخ چقدر متفاوت هستند بخش دوم بر مبنای شدن و اجرایی بودن نوشته شده اند و کلی نیستند بلکه دقیقا» موارد خاص را بیان می کنند، این تفاوت ها در نوشته های شاهرخ کاملا» آگاهانه است

و شاهرخ در بخش دوم نوشته های خود آگاهانه تلاش کرده برای امروز رهنمود عملی بدهد، در این مورد به آدرس های زیر مراجعه کنید .

<https://www.youtube.com/watch?v=LGNADyCp۲jQ>

۲۷۶=<http://nashriye.com/?p>

۵۱۷=<http://nashriye.com/?p>

۵۸۷=<http://nashriye.com/?p>

<http://nashriye.com/wp-content/uploads>

<http://nashriye.com/wp-content/uploads>

۹۰۸=<http://nashriye.com/?p>

<http://nashriye.com/wp-content/uploads>

ما بار ها به رفیق ابراهیم و دیلم گفتیم فرض بگیریم گفته های شما را ما پذیرفتیم و همین حالا می خواهیم به ساختن حزب مورد نظر با اصول شرایط شما اقدام نماییم ، آیا مواد اولیه و پارامتر های لازم برای حزب حاضر است؟ که در این شرایط ساخته شود؟ آیا شرایط مادی و عینی برای ایجاد حزب مورد نظر آماده است ؟ اگر آماده است، علت به تعویق افتادن آن چه بوده است؟ آیا تاریخ کسانی که گنجینه کمونیسم علمی را هم منحصر در اختیار دارند و در این امر کوتاهی کرده اند را می بخشد؟ ما بارها از این رفقا خواستیم که اگر مواد و امکاناتی که برای ساخته شدن (همین حالا و بدون نیاز به بستر سازی) حزب مورد نظر آماده است را نام ببرند تا ما هم به اشتباهمان پی ببریم ، اما هرگز حتی یک موردش را بیان نکردند و تنها به کلی گویی مثلا چون در ایران هشتاد سال پیش حزب کمونیست وجود داشته الان هم میشود ایجاد کرد و همچون نوشته رفیق دیلم به شعار و شعار و شعار و حتی به رویا پردازی پرداختند. همچنین از رفقا پرسیدیم وقتی شما کمونیسم علمی خود را بهترین قلمداد کرده و به عنوان شرط وحدت وسط می گذارید ، چرا سایر نیرو ها نیز مثل فدایی ، حکمتیست ، مارکسیست های انقلابی ، و ... نباید به اصول خود وفادار بمانند؟ آن ها نیز مثل شما هیچ کدام حاضر نیستند اصول دیگری و هم چنین اصول شما را بپذیرند و حتی دقیقا» مانند شما حاضر نیستند اصول هیچ جریان دیگری را حتی مطالعه کرده یا بشنوند . در چنین شرایطی که هیچ نیرویی گوش شنوایی برای شنیدن نظرات دیگران ندارد، جمع قدم اول توانسته امکاناتی را فراهم کند که حداقل صد ها نفر بحث شما را بشنوند. این ساختار بسیار دموکراتیک جمع قدم اول بود که ساعت ها زمان در اختیار شما گذاشت که بتوانید اگر اصول قابل بیان دارید بگویید و اگر گوش شنوا دارید اصول دیگران را بشنوید. این کاملا» درست است که قدم اول طی ۴ سال موفق به ایجاد حزب نشده (ما هیچگاه مدعی ایجاد حزب نبودیم .) سوال این جاست، چرا شما و جریانات دیگر طی ۵۰ سال نه تنها نتوانستید حزب مورد نظر را بسازید که بخش وسیعی را نیز به انفعال کشیدید؟

استراتژی این مرحله جمع قدم اول جمع آوری تجربه مثبت یا منفی کلیه نیروها از جمله حرا که در ایجاد وضعیت فعلی نقش داشته اند، با تمرکز روی ”چرا نتوانستیم حزب انقلابی طبقه کارگر را ایجاد کنیم“ ، میباشد ، به همین دلیل هم صبورانه نظرات دیگران را بدون اما و اگر (بدون شرط و شروط) میشنویم ، علی رغم اینکه خود قدم اول نیز مستقلا نظر دارد. این آن حلقه مفقوده ایست که تا کنون در کسوت هیچ کدام از گرایشات وجود نداشته و هنوز متأسفانه هیچ کدام از گرایشات چنین توانی را ندارند، که به راحتی بنشینند، رفیقانه نقد کنند و نقد بشنوند و رگ گردنشان باد نکند. این فضا را متأسفانه مبارزان ۵۰ و ۶۰ ساله نتوانستند ایجاد کنند. این را باید ارج نهاد ، تخریب و تحریف چنین فضایی (فضای که قدم اول ایجاد کرده است) نمیدانیم به سود کی تمام میشود ، با اطمینان میشود گفت که در خدمت انقلاب و ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر نمیباشد .

رفیق دیلم می گوید:

«این تز « بدون شرط و شروط » ظاهرن چهره ی دمکراتیک از خود نشان می دهد اما در عمل خود تزی است کاملن دربرابر نظری که معتقد است باید قدم اول را بر اساس اصول کمونیسم علمی و نظرات تلفیق داده شده شاهرخ زمانی با شرائط ایران که در برگزیده های شاهرخ تاکید شده است ، سازماندهی کرد. در طول این زمانه بار ها چنین پیشنهادی مطرح گردید . در آغاز چنین می اندیشیدم که با توجه به نظرات شاهرخ زمانی ، با سازماندهی یک دوره ی مطالعاتی مشترک و جمعی که کمسیونی هم در این زمینه طرحی را مطرح کرد و مورد قبول کل رفقا قرار گرفت بر روی چند نکته اساسی که رفیق شاهرخ زمانی مطرح کرده است ، پس از تبادل نظر و احتمالن به روز کردن پاره ای از جوانب ، به صورت اصول و برنامه اولیه یکی می شویم»

بنظر میرسد که رفیق دیلم منتظر بود که تز گفتگوی بدون قید و شرط به بن بست برسد و نتیجه بگیریم که پس قوطی در بسته (کمونیسم علمی) ایشان است که معجزه میکند. ما معتقدیم که برای شناخت مشکلات و ضعف های نیروهای جنبش ، باید از عمل کرد مثبت و منفی گذشته و کنونی تمامی نیروهای انقلابی، حتی از عمل کرد ضد انقلابیون مانند اکثریت ، توده ای ها و ... ، غیر مستقیم از طریق بررسی نوشته ها ، تجربه کسب کنیم ، تا بتوانیم حزبی مورد نظر را که طی دهه های گذشته ساخته شدنش ممکن نشده را بسازیم. بنا براین طرح بستر سازی به معنی فراموش کردن کل استراتژی (تلاش برای ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر ایران) نیست ، تمرکز ما بر روی بستر سازی است. ما تا امروز به این نتیجه رسیده ایم که تز بدون شرط و شروط بسیار صحیح و حساب شده از طرف رفقا انتخاب شده و به طور پیگیر در مورد اشکالات پیاده کردن آن خود را نقد می کنیم و به این نتیجه رسیده ایم که ایجاد شرط و شروط برای شروع بحث و کسب تجربه برای در اختیار گذاشتن این تجربیات به پیشگامان طبقه کارگر که پایه های اصلی حزب میباشند، پروسه ایجاد حزب را مختل و یا حد اقل زمان آن را طولانی تر میکند. کما این که تا به حال به هیچ جایی نرسیده. بد نیست اضافه کنیم که از نظر این رفقا قبول بی قید و شرط نظریات این رفقا و به خصوص رفیق ابراهیم (چون دیلم نظر خاصی ندارد) نه تنها هیچ اشکالی ندارد که عین کمونیسم علمی است . منظور رفیق دیلم در نوشته ی که در بالا از ایشان آورده شد اینکه نظریات شاهرخ را برابر با کمونیسم علمی حرا قرار بدهیم و این را به نام شاهرخ اعلام کنیم و این کمونیسم علمی را شرط ساختن حزب قرار بدهیم و این گونه همزمان شاهرخ را با شعبده بازی جذب جعبه بسته کنیم ، باید معجزه ای رخ بدهد تا بشود همزمان شاهرخ را که ریشه کل جریانات انحرافی این چنینی را به نقد کشیده اند را با این روش مجذوب صندوق در بسته حرا کرد . به نظر میرسد این رفقا دچار مشکل درک مفاهیم و شرایط عینی شده اند، و نباید آنها را جدی گرفت.

بسیاری از جریانات موجود که از نظر اصول و برنامه های مدون شده و اعتقادات نقطه به نقطه یکی هستند اما هر کدام تشکیلات جدا گانه ای دارند و حتی خودشان نیز نمی دانند باهم چه اختلافی دارند، این مشکل در باره حرا و جدا شدگان از آن نیز صدق می کند، منشور شش ماده ای وحدت کمونیستی (پیوند) توسط شخص رفیق ابراهیم نوشته شده (یا ایشان این ادعا را دارد) و هر دو جریان شرایط را برای ایجاد حزب آماده می بینند ولی این دو جریان همکاری که پیش کش حتی حاضر به شروع مذاکره با هم نیستند؟ از آنجا بیکه این رفقا در مورد چرایی آن توضیح کافی نداده اند کشف علت یا علل آن از عهده ما خارج است. البته رفقای پیوند یک بسته شش ماده ای (همان که رفیق ابراهیم نوشته است) ارایه دادند . نظر ما این بود که باید هر کدام از این مواد را یک به یک به بحث و تبادل نظر بگذاریم که متاسفانه این پیشنهاد مورد قبول رفقای پیوند نیز واقع نشد و رفقا ما را ترک کردند تا حزب خود را بسازند .

جمع قدم اول در این مدت نشان داده که در به بحث گذاشتن پیشنهادات رفقا نه تنها مانع نتراشیده که استقبال نیز کرده. حال اگر کسی یا کسانی قادر به تجزیه و تحلیل عقاید و یا مواضع خود نشدند ما باید تاوان ان را بدهیم؟ مثلا چه اشکالی داشت که رفیق دیلم به جای ۵ صفحه کلی گویی و شعار دو صفحه چکیده نظرات خود را توضیح

میداد که اقلا دیگران به فهمند نظر شما چیست و اشکال ما کجاست؟ ما از کجا کنه نظرات شما را دریابیم در صورتی که خودتان از توضیح ان عاجز هستید. اگر نظر شما همان نظر حرا است چرا و به خاطر چه مشکلی از حرا جدا شده اید؟ چگونه خودتان نمی توانید وحدت داشته باشید و از بقیه انتظار دارید با شرط قرار دادن صندوق در بسته کمونیسم علمی وحدت کنند؟

جمع ما پذیرفته که متاسفانه جامعه چپ و کمونیست ایران از سکتاریسم و فرقه گرایی و سنگواره بودن همواره رنج برده و هنوز هم متنبه نشده. هر کدام از این نیرو ها از دیگران می خواهند بدون بحث و تبادل نظر، اصول آنها را به عنوان محور بحث بپذیرند تا به وحدت برسند، یا اینکه بدون هیچ رابطه ای بحث و تبادل نظر با داشتن اصول و برنامه های کپی برابر اصل تشکیلات های جدا گانه ای داشته و هیچ کاری و نقد و انتقادی نسبت به بقیه نداشته باشند، یعنی علی به دین خود و ولی به دین خود باشند. در واقع برای وحدت کردن باید به تشکیلات مورد نظر ان ها پیوست. در مقابل چنین جو و شرایطی چه گونه می توان این فضای خود خواهی و خود محور بینی را شکست و جو رفیقانه ای را برای کشف واقعیت های جامعه ایجاد کرد، بنیان گذاران جمع قدم اول به درستی به این تجربه نایل شده بودند که ایجاد شرط و شروط به معنی این است که فقط من و یا ما درست میگویم، که عملا نا کارا بودن آن ثابت شده و لزومی هم به تجربه مجدد نمیشد. زمان به بار نشستن ایجاد فضای مناسب بر ما روشن نیست ولی راه دیگری هم به نظر ما نمیرسد. شاید انفجار های داخل کشور به کمک چپها و کمونیست های ایران بیاید و چشم همه ما را باز کند و موج آن در داخل همه ی تشکیلات هایی که قادر نشدند از مدار تنگ و بسته اصول سنگ شده خود بیرون بیایند به خود آورد. جمع ما آن قدر بردباری انقلابی کارگری دارد که از هر کس و از هر رویدادی بیاموزد. آنقدر می داند که چقدر نمیداند، به همین دلیل است که به جای چسبیدن به یک قوطی در بسته ضمن کمال استفاده از تجربیات گذشتگان، مرتب سعی می کند تجربیات خود را به روز نگه دارد.

یک سوال بسیار جدی: اگر کسی بسته ای را بدون سوال به پذیرد خود شما میتوانید یک همچین شخصی را انسان دارای نگرش علمی و عاقل بدانید؟

بحران فعلی هرگز نمی تواند از طریق روش های تکراری گذشته که سالهاست عدم کارایی آن برای هر مبارز مسئولی آشکار شده که هیچ کس حاضر نیست دیگری را تحمل کند، خود را نجات بدهد مگر اینکه بتوانیم فضایی ایجاد کنیم که همه گرایشات توان شنیدن و اظهار نظر و نقد کردن و نقد شدن را ارتقا دهند، در آن صورت هر کدام از نظریه ها که با واقعیت های انقلابی و نیاز اجتماعی طبقه کارگر و هم پیمانانش هم خوانی داشته باشد به عنوان اصول علمی مبارزات روز برای رسیدن به سوسیالیسم از طرف بیشتر جریانات پذیرفته خواهد شد، بنا براین با توجه به بن بست و بحران های نام برده (بحران هویت، بحران رهبری و ...) اکنون امکان ساختن مستقیم حزب به نظر بعید می آید. برای ممکن شدن آن باید در قالب بستر سازی همه جریانات را آماده پذیرش فضای سالم گفتگو کنیم یعنی همان فضایی که شما سه سال از ان فضا توانستید هر چه که دلتان خواست بگویید و متاسفانه کمتر بشنوید این فضا اگر به سطح همه جریانات گسترش یابد میتواند به پیدایش راه خروج از بن بست کمک کند. مطمئن هستیم که بدون ایجاد این فضا حتی تدارک حزب با چالش های بسیار مواجه خواهد شد و یا حزب مورد نظر ساخته نخواهد شد و بدون بستر سازی مورد نظر اگر حزبی هم ساخته شود یک حزب دیگری به همانند های فعلی اضافه خواهد شد. بنا براین ما وظیفه امروزی یک کمونیست واقعی را تحمیل اصول بسته بندی شده خودش (مثلا) کمونیسم علمی شما) به دیگران نمیدانیم، بلکه کمونیست واقعی در شرایط بغرنج کنونی کسی هست که در جهت بر طرف کردن موانع بحث و تبادل نظر و گسترش فضای تحمل جریانات نسبت به همدیگر را پیگیری کند. اگر ما نتوانیم چنین فضای باز گسترده ای را در بلوک چپ و کمونیست ها ایجاد کنیم بن بست و بحران هویت و بحران رهبری موجود تا انفجار جامعه بی نتیجه ادامه خواهد یافت. لازمه موجه نشان دادن موضوع بستر سازی قبول همکاری بدون شرط و شروط است، با توجه به شرایط و ارتباطات غیر اصولی جریانات سیاسی با هم و بی پایه بودن همه آنها در جامعه ایران، در واقع سعی در به بن بست کشاندن و دامن زدن به بحران هویت و بحران رهبری را نمیتوان

در خدمت انقلاب ارزیابی کرد.

رفقای هیات موسس جمع قدم اول با توجه به گفته معروف مارکس که: انسانها با فعالیت آگاهانه خود جهان را تغییر میدهند و در خلال این تغییر خود نیز تغییر میکنند (نقل به معنی) است که کار مشترک در نقاط مشترک و بحث و تبادل نظر در موارد تفاوت نظر را که بهترین روش نزدیک شدن به یک وحدت هر چند مقطعی باشد را پیشنهاد کردند .

متأسفانه رفیق ابراهیم در انجام وظیفه اش برای حرا و هم چنین وظایفی که طبق تبصره ۲ ماده یکم آئین نامه ای که رفیق ابراهیم خودش نیز در تصویب آن شرکت داشت ، و باید همه مصوبات و کارهای قدم اول را به حرا گزارش می کرد و نظرات رفقای حرا را به قدم اول انتقال می داد، را انجام نداده است . و به موارد دیگر آئین نامه نیز مانند ماده چهار و مواد دیگری را ضمن اینکه رفیق ابراهیم قبول کردند اما عملاً آنها را رعایت نکردند، مانند بند ب از ماده هفت که بیان می کند : « ب - بحث و تبادل نظر در مورد تئوریهای اساسی و پایه ای در جهت آماده شدن برای ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر ، موازی با فعالیت مشترک در اهداف مشترک انجام خواهد شد. «رفیق ابراهیم ضمن تصویب این بند اما کار عملی را همیشه منوط به وحدت نظر (قبول نظرات شخصی ایشان) کرده بود.

در مورد نوشته های رفیق دیلم همین قدر کافی است که بگوییم قبل از ورود حرا و ایشان به جمع ، ما در قدم اول دارای سند سیاسی هفت ماده ای بودیم ، که میتوان با پیش نهاد اعضا آن را نیز گسترش بدهیم و یا در صورت لزوم حک و اصلاح شود. که بعد از ورود رفیق دیلم و حرا ماده هشتم حضور داشتند و تصویب کردند اما در مورد تغییرات در ماده یک هنوز بحث ادامه داشت و البته ادامه دارد که عنوان اصلی بحث این است : « امپریالیسم و ارتباط آن با سرمایه داری؟ » این بحث دو طیف انحراف را زیر نقد برنده کشیده است که متأسفانه رفقای حرا و دیلم نتوانستند به بحث جواب قانع کنند بدهند و یا بحث را تحمل نمایند .

و در واقع یکی دیگر از جواب ما به رفقا این است که عدم وجود شرط و شروط بود که رفقا توانستند در جمع ما باشند در غیر این صورت بسیار ساده تر بود که در همان برخورد اول و در صورت عدم توافق با این اسناد ، با جمله خیر پیش بدرقه میگردیدند .

واقعاً معلوم نیست که رفیق دیلم از چه مینالد و چرا فریاد سر میدهد. (بسیاری به ما می گفتند ما به قدم اول نمی آیم چون فلانی و ... در قدم اول هستند و جواب ما به آنها بسیار شفاف و روشن بود، می گفتیم : ما بی پرنسیبی نمی کنیم و اصول خود را (همکاری بدون تحمیل شرط و شروط و پذیرش شرط و شروط) زیر پا نمی گذاریم و با توجه به اینکه بعد از بحث و گفتگوهای دقیق و طولانی و با تکیه بر واقعیت های عینی موجود و تجربیات تاریخی جنبش کارگری و انقلابی به این نتیجه رسیدیم که باید برای ساختن حزب انقلابی طبقه کارگر با جریانهای مختلف و پراکنده که در صف ضد انقلاب نیستند و به جمهوری اسلامی خدمت نکرده اند و در بلوک چپ و کمونیست می گنجد در نقاط مشترک، همکار مشترک کرده و در نقاط اختلاف به بحث و تبادل نظر پردازیم و این اصل را با روش و سبک کار بدون گذاشتن شرط و شروط و بدون پذیرفتن شرط و شروط اعلام کرده و بعنوان پروسه و روند بستر سازی برای ساختن حزب انقلابی طبقه کارگر پیش برده و پیش می بریم و از سختی راه هراسی نداریم و دست هر رفیقی که حاضر به همکاری باشد صمیمانه می فشاریم و این جواب ما هنوز بعنوان بهترین و اصولی ترین جواب، کار برد دارد.)

رفیق دیلم مدعی ۶۰ سال فعالیت تشکیلاتی است. توجه بفرمایید : « ، راه اصلاح ، پیروی از آموزش های اوست (منظور شاهرخ زمانی) و ایجاد تشکیلاتی با شرط و شروط اصول کمونیستی است که شاهرخ مطرح کرده و برای اینکه بتوانیم به نوسازی قدم اول مشترک پردازیم ضروری است بجای شیوه ی تا کنونی افشاگرانه و نفی نظرات یک دیگر ، با نقد این نوع برخوردها و انتقاد از خود ، نشستی بزرگتر با شرکت با نیان داخل کشور قدم اول که رفقای کارگر هستند و همزمان شاهرخ زمانی می باشند تشکیل شود و تصمیم نهائی و مشترکی را برای ادامه بهتر کار گرفته شود.» نوشته رفیق دیلم تعجب آور است با توجه به اینکه فضا برای هر گونه پیشنهاد باز است و مصوبات تا کنونی نیز

نشان می دهد که هر اصلی مورد قبول بقیه باشد به اسناد افزوده می گردد، پس مشکل رفیق دیلم کجاست ؟ آیا غیر از این است که می خواهد با شرط و شروط گذاشتن به نام شاهرخ فضا را ببندد و کسانی که هم نظر ایشان نیستند تصفیه شوند و یا حق ورود نداشته باشند تا کمونیسم علمی ایشان پذیرفته شود خوب اینکه می شود همان حرا دیگر چه نیازی است تلاش کنیم حزب کمونیست واقعی بسازیم ؟ آیا این سبک کار کمونیستی است ؟ اصلا ما نمیدانیم این رفقا چه اصراری در شرکت در جلسه مشترک با رفقای داخل را دارند. کسانی که خود را هنوز به مصوبات این جمع متعهد میدانند این چه انتظاری است که ایشان از یک جمع سیاسی دارد. آیا در شرایط پلیسی سیاسی ایران این در خواست امکان پذیر است ؟ به نظر میرسد تاثیر سال ها دوری از صحنه بودن و کنار گود نشستن ایشان را به این درد مبتلا کرده و یا این هم از مزایای تکیه به جعبه در بسته کمونیسم علمی است. این چه سبک کار کمونیستی است که ما رفقا شناخته نشده خود را به نمایش بگذاریم و اسمش را هم بگذاریم سبک کار کمونیسم علمی ؟ یا به این قسمت از نوشته ایشان توجه کنید : « بجای شیوه ی تا کنونی افشاگرانه و نفی نظرات یک دیگر» اگر نقد و بررسی نکنیم چگونه می خواهیم به وحدت برسیم چنین تقاضای دقیقا» همان نیست که هرچه من می گویم بپذیرید و نقد و افشاگری نکنید؟

جمع بندی می کنیم ، اگر کمونیسم علمی مورد نظر رفیق دیلم را به جای نظر رفیق شاهرخ جا بزنیم و آن را به عنوان شرط حضور در قدم اول بگذاریم ، قدم اول همان کپی برابر اصل حرا و سپس رفقای داخل را در جلسه بزرگتر تحویل این رفقا بدهیم . اگر جمع بندی ۲۰۰ سال تجربه مبارزات کمونیستی تحت نام کمونیسم علمی و حاصل ۶۰ سال فعالیت تشکیلاتی رفیق دیلم این است ، بهتر است ما را از این فیض عظمای معاف بدارند. نمیدانیم چرا این رفقا دیگران را این مقدار ساده فرض میکنند.

در انتها یک بار دیگر بیان این موضوع لازم است که نظرات شاهرخ در رابطه با جمع قدم اول و طریقه فعالیت در رابطه با شرط و شروط و کارهای مشترک و نوع فعالیت برای ساختن حزب و عملکرد بستر سازی که شاهرخ کاملا از آن را قبول داشت در بولتن های ۸ گانه و آدرسهای که در بالا گذاشتیم موجود است . هم چنین آدرس مطالبی که تا کنون در رابطه با موضوعات مختلف بین رفقا و رفیق ابراهیم به شکل نقد و پاسخگویی در جریان بود در زیر می گذاریم :

<http://nashriye.com/?p=1395>

<https://www.youtube.com/watch?v=r3OPKufaSbU>

<http://nashriye.com/wp-content/uploads/pdf.11-nashriye-shomare/04/2017/>

صفحه ۱۲۰ نشریه شماره ۱۱ مطلب رفیق ابراهیم و صفحه ۱۲۳ مطلب رفیق فریده به بحث های مورد نظر مربوط هستند .

<http://nashriye.com/wp-content/uploads/pdf.12-nashriye-shomare/07/2017/>

مطلب صفحه ۹۴ و مطلب دیگر در صفحه ۹۹ و مطلب سوم در ۱۱۱ از نشریه شماره ۱۲ به موضوع مورد بحث با رفیق ابراهیم مربوط هستند.

<https://drive.google.com/file/d/1TBG-G4Ldgl-Xzg4NJP9kxDRceGZ3BBu/view>

مطلب واقع در صفحه ۱۱۵ در نشریه شماره ۱۳ مربوط به بحث مربوطه است .

http://chzamani.blogspot.ca/html.15_blog-post/10/2017/

جمع قدم اول

۱۸ اسفند ۱۳۹۶